

یادداشت

اصفهان؛ از باغ‌شهر تا کلان‌شهر خاکستری

عاطفه‌علیان

اصفهان روزگاری به باغ‌های سرسبزیش شهره بود؛ شهری که رودخانه زاینده‌رود همچون شریانی زنده در رگ‌هایش جریان داشت و حیات را به هر باغ، هر محله و هر کوچه می‌رساند. اما امروز، وقتی در دل تابستان بر بستر ترک‌خورده رود قدم می‌زنی، به‌سختی می‌توان باور کرد که اینجا همان «باغ‌شهر ایران» است. تصاویر ماهواره‌ای ۱۳۶۳ و ۱۳۹۹ گواهی روشن‌اند بر این واقعیت تلخ: سطح سبز اصفهان نه‌تنها افزایش نیافته، بلکه به شکل چشمگیری کاهش یافته است.

حمیدرضا افشاری، پژوهشگر تاریخ محیط زیست ایران، در گفت‌وگویی توضیح می‌دهد: «اصفهان همیشه شهری نیمه‌خشک بوده، اما آنچه این شهر را متمایز می‌کرد وجود زاینده‌رود و شبکه مادی‌ها بود. این سیستم سنتی، آب را عادلانه به باغ‌ها و محلات می‌رساند و به همین دلیل بود که اصفهان در دل حاشیه کویر به باغ‌شهر بدل شد». تا دهه ۱۳۶۰ هنوز بسیاری از باغ‌های قدیمی پابرجا بودند. مردم در حاشیه مادی‌ها قدم می‌زدند و درختان چنار چهارباغ سایه خود را بر هگ‌گزان می‌گسترند. اما خشکی زاینده‌رود که از دهه ۱۳۷۰ شدت گرفت، این تصویر را دگرگون کرد. بررسی داده‌های فضایی نشان می‌دهد سطح سبز اکولوژیک (باغ‌ها) و فضای سبز تحت مدیریت شهرداری (پارک‌ها) در طول ۳۶ سال کاهش یافته است. به گفته فاطمه زمانی، کارشناس سنجش از دور، «در تصاویر سال ۱۳۶۳ لکه‌های سبز وسیعی در اطراف شهر دیده می‌شود، اما در سال ۱۳۹۹ این لکه‌ها کوچک‌تر و پراکنده‌تر شده‌اند و بسیاری از آنها به اراضی ساختمانی و صنعتی بدل شده‌اند». این داده‌ها آشکار می‌سازند که برخلاف ادعاهای فضای مجازی، فضای سبز اصفهان عامل خشکی زاینده‌رود نیست؛ بلکه خود قربانی آن است.

یکی از دلایل مهم نابودی سبزی شهر، تغییر کاربری اراضی است. رشد جمعیت و توسعه شهری فشار زیادی بر زمین‌های اطراف آورد. محمدرضا، کشاورز ۶۰ساله شرق اصفهان، با حسرت می‌گوید: «این زمین‌ها روزی بر از درختان بود. اما وقتی آب قطع شد، درخت‌ها یکی‌یکی خشکیدند. بعدش زمین را فروختند و حالا ساختمان بالا رفته است. باغی که پدرم با دست خودش ساخته بود، دیگر وجود ندارد». خشکی زاینده‌رود و افول فضای سبز تنها چهره شهر را تغییر نداده، بلکه زندگی روزمره مردم را هم تحت تأثیر قرار داده است. نسرین حبیبی، کارشناس محیط زیست، توضیح می‌دهد:

«درختان مثل ریه‌های شهر عمل می‌کردند. حالا با کاهش سطح سبز، دمای شهری بالا رفته، رطوبت کم شده و گردوغبار بیشتر در هوا معلق است. این شرایط، آلودگی هوای اصفهان را تشدید کرده و سلامت شهروندان را تهدید می‌کند».

برای مردم اصفهان، زاینده‌رود تنها یک منبع آب نبود؛ روح شهر بود. علی‌کارمند ۴۳ساله، می‌گوید: «ما بچگی‌مان را کنار رود گذرانیدیم. تابستان‌ها با خانواده می‌رفتیم زیر پل خواجه. حالا که رود خشک است، انگار شهر هم بی‌روح شده. قدم‌زدن در بستر خشک رود، حس غریبی دارد؛ انگار بخشی از هویت ما را گرفته‌اند». خشکی زاینده‌رود، کشاورزان شرق اصفهان را بیش از همه تحت فشار قرار داد. در سال‌های اخیر بارها تجمع کرده‌اند تا حقابه خود را مطالبه کنند. یکی از آنان می‌گوید: «ما چیزی بیشتر از حقمان نمی‌خواهیم. رودخانه برای قرن‌ها زندگی ما را تأمین کرده بود. حالا که آب را به استان‌های دیگر می‌برند، زمین‌های ما خشک مانده و محصولی نداریم». بسیاری از کارشناسان معتقدند خشکی زاینده‌رود نه به خاطر فضای سبز، بلکه نتیجه سیاست‌های آبی ناپایدار است. حامد کریمی، متخصص منابع آب، می‌گوید: «انتقال آب بین‌حوضه‌ای، صنایع پرمصرف و کشت‌های نامناسب در بالادست، فشار شدیدی به زاینده‌رود وارد کرده است. این رودخانه توان تأمین همه این مصارف را ندارد. اگر سیاست‌ها اصلاح نشود، نه‌تنها فضای سبز، بلکه حیات اجتماعی و اقتصادی اصفهان هم به خطر می‌افتد». با وجود همه این مشکلات، هنوز امید برای بازگشت سبزی اصفهان وجود دارد. برخی طرح‌های احیای زاینده‌رود در حال بررسی است. شهرداری هم تلاش کرده با کاشت گونه‌های مقاوم به خشکی و استفاده از سیستم‌های آبیاری قطره‌ای، فضای سبز موجود را حفظ کند. اما تا زمانی که رودخانه دوباره جریان نیابد و مدیریت منابع آب به صورت پایدار اصلاح نشود، این تلاش‌ها بیشتر به سُکُن شباهت دارد تا درمان.

تصاویر ماهواره‌ای، روایت‌های کارشناسان و شهادت مردم همه به یک نتیجه می‌رسند: اصفهان از باغ‌شهری پرآب به کلان‌شهری خاکستری بدل شده است. فضای سبز نه‌تنها علت خشکی زاینده‌رود نبوده، بلکه خود قربانی مستقیم آن است. این روند اگر ادامه یابد، سبزی اصفهان به خاطره‌ای تاریخی بدل خواهد شد؛ خاطره‌ای که تنها در کتاب‌ها و روایت‌های قدیمی زنده خواهد ماند.

افقی:

۱- واضح و قابل شنیدن- تحسین‌کننده- از الفبای فارسی ۲- جهت، بیزار و متفر- مجموعه‌داستانی نوشته منیرو روانی‌پور ۳- بستنی یخی- توطنه پنهانی ۴- بندری در حاشیه دریای خزر- زشت و ناپسند- شهر باستانی و قمرزنگ اردن ۵- معادل فارسی پارتیشن- دیو شاهنامه- مساوی ۶- واحد پول صربستان- جانوری که به دروغ اشک می‌ریزد ۷- ذرات ریز تشکیل‌دهنده سنگ- خلاصه عنصر جذاب خبر- بیماری اختلال عمل کبد ۸- قایق بزرگ موتوری- بخش اعظم اسکت مهره‌داران ۹- فرومایه ۹- نویسندگی- توزیع‌کننده- غیرت ۱۰- وضعیت- لندهور و بدقواره ۱۱- پوستین- از ادوات ورزش بدن‌سازی- رمانی نوشته فییمه رحیمی ۱۲- سفر دسته‌جمعی- الهه عشق در اساطیر یونان- نیرومند کردن ۱۳- دست‌کم- قاضی تحقیق ۱۴- کهنه و فرسوده- بیماری مشترک بین انسان و میمون- از اجزای شلوار ۱۵- اقامتگاه مسافر- دارای سطح بالایی از علم- شوخی

عمودی:

۱- خاک سفالگری- مایعی برای خوشبوکردن صورت و بدن- هراس ۲- آسمانی- حلقه زینتی- روی خط حامل است ۳- نمایش‌نامه تراژدی شکسپیر- درودگر- اسب حضرت علی(ع) ۴- دست‌ها- اسب تندرو ۵- خریدوفروش اشیای دست‌دوم- چیزها- صورت پنجم فلکی ۶- زیرانداز خواب- از القاب اشرافی زنان اروپا- سوره شصت‌ونهمقرآن ۷- حساب و شمار- هر بخش یک مجموعه- پرده‌ای شکاری ۸- حرف دهن‌کچی- از مدارک لازم هنگام رانندگی- کاکل

در بیش از یک دهه اخیر در حالی شاهد رشد کسب‌وکارهای فراگیر در کشور بوده‌ایم که در گذشته حضور پلتفرم‌هایی مشابه اوپر یا وال‌مارت، نشانه توسعه‌یافتگی و پیشرفت قلمداد می‌شد و خلا حضور آنها در بازار ایران دلیلی بر عقب‌ماندگی از دنیای پیشرفته. اما اکنون مصادیق این کسب‌وکارها در کشور تحت عناوین مختلف استارت‌آپی، فروشگاه‌های زنجیره‌ای، شرکت‌های «های‌تک» و پلتفرم‌های کاربردی آن چنان توسعه و گسترش یافته است که تقریباً به عنوان نیاز روزمره محسوب می‌شوند و هر لحظه انتظار توسعه خدمات از آنها را داریم. هرچند در ظاهر وجود و تنوع گسترده این نوع از کسب‌وکارها موجب مدیریت تقاضا، افزایش اشتغال‌زایی و پاسخی مناسب به نیازهای جدید و متنوع جامعه قلمداد می‌شود؛ اما تأثیر و پیامدهای آن به‌خصوص در مسیر غیرمولدسازی اقتصاد کشور حائز اهمیت و نیازمند بررسی کارشناسانه است.

وقتی از اقتصاد مولد و کار مولد سخن به میان می‌آید، منظور آن نوع از کار و اشتغال است که نتیجه فعالیت در بخش‌های تولید و خدماتی است که بهره‌وری منابع را افزایش داده و اقتصاد را در مسیر پایدار قرار می‌دهد. البته‌ا از منظر مکاتب اقتصادی تعریف یکسانی از کار مولد ارائه نشده است. برای مثال از منظر دیدگاه مارکسیستی کار مولد صرفاً کاری است که ارزش اضافی برای سرمایه تولید می‌کند، نه لزوما تولید کالای فیزیکی. از همین رو کارکردن در یک پلتفرم به‌عنوان راننده اگر در خدمت نظام سرمایه‌داری باشد مولد است، اما اگر همان کار را مستقلاً انجام دهد، نامولد محسوب می‌شود. همچنین آدام اسمیت معتقد است هر کاری که در چرخه تقسیم کار اجتماعی مشارکت کند و به تولید ثروت بینجامد، مولد است، مارکس نیز در نظریه توسعه خود مطرح می‌کند که سرمایه‌داری با تمرکز بر سرمایه و کاهش نرخ سود، به سمت بحران پیش می‌رود. این روند، نیروی کار را از بخش‌های مولد (صنعت/ کشاورزی) به سمت مشاغل کاذب (مثل دلایی) سوق می‌دهد. این تنها بخشی از دیدگاه‌های بعضاً متفاوت در میان اندیشمندان اقتصادی دنیا درخصوص کار مولد و اقتصاد مولد است. از نگاه این نوشتار همان‌گونه که تأکید شد، کار و اقتصاد مولد زمانی به وقوع می‌پیوندد که تولید و رشد اقتصادی کشور به شکلی پایدار و متوازن تحقق پذیرد و عدالت در انحای گوناگون آن از عدالت رویه‌ای تا عدالت توزیعی محقق شود.

از سوی دیگر همان‌طور که در ابتدای بحث مطرح شد؛ توسعه کسب‌وکارهای فراگیر در کشور در سالیان اخیر با اما و اگرهای فراوانی مواجه بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد بیش از هشت میلیون راننده در دو پلتفرم مطرح کشور فعال هستند، در حالی که اوپر به‌عنوان یک پلتفرم بین‌المللی تنها ۷۰۸ میلیون راننده دارد که می‌تواند نشانه‌ای مبنی بر تمرکز غیرعادی نیروی کار در بخش حمل‌ونقل کشور و هم‌زمان زمینه‌ساز خروج نیروی کار از بخش‌های مولد مثل صنعت باشد. البته این آمار می‌تواند نشانه‌ای از پتانسیل اشتغال‌زایی این کسب‌وکارها محسوب شود اما این سراب در حالی شکل گرفته است که درآمد بسیاری از رانندگان جذب‌شده در این پلتفرم‌ها پس از کسر هزینه‌ها، تنها هفت تا ۱۰ میلیون تومان است؛ رقمی که با تورم کنونی حداقل معیشت را هم تأمین نمی‌کند. ثانیاً کاهش بهره‌وری و تبدیل‌شدن این کسب‌وکارها به «آخرین پناهگاه معیشتی مردم، نیز جای تأمل بسیار دارد.

برای مثال هرچند سهم بازار فروشگاه‌های زنجیره‌ای در کشور در حدود ۱۰ درصد است و در مقایسه با سهم بازار ۸۰ تا ۸۵ درصد در کشورهای توسعه‌یافته ناچیز محسوب می‌شود اما وجود کسب‌وکارهای فراگیر و پلتفرم‌های کاربردی نشان‌دهنده تحولاتی عمیق و اغلب ناسالم در ساختار اقتصادی کشور هستند. ازجمله می‌توان به:

۱. غیرمولدشدن اقتصاد و فرار از بخش‌های حیاتی تولید و مهاجرت گسترده نیروی

تنها بخشی از ظرفیت‌های آن است.

حذف کامل این ابزار، محروم‌کردن دانش‌آموزان از فرصت‌های آموزشی مدرن است.

نسل دیجیتال و شکاف میان مدرسه و زندگی

دانش‌آموزان امروز نسلی هستند که با گوشی‌های هوشمند بزرگ شده‌اند. برای آنان، این وسیله بخشی از هویت و زندگی روزانه است. اگر مدرسه نتواند این واقعیت را بپذیرد، به‌تدریج جایگاه خود را در ذهن دانش‌آموزان از دست خواهد داد و شکافی عمیق میان دنیای مدرسه و دنیای واقعی دانش‌آموزان شکل خواهد گرفت.

جدول ۵۱۳۶ :طراح: میژن گورانی

محمد مهدی اشرفیان رهقی

مدرس دانشگاه و پژوهشگر

کار از بخش‌های صنعتی، تولیدی و کشاورزی به مشاغل کوتاه‌مدت و کم‌بهره.

۲. تضعیف سرمایه انسانی، مهندسان، معلمان و متخصصان تا به جای بهره‌برداری از مهارت‌های خود، به مشاغل غیرمولد مانند رانندگی روی آورند.

۳. تمرکز ثروت و تشدید نابرابری. انباشت سود در انحصار شرکت‌ها و پلتفرم‌های فراگیر از طریق ادعای ایجاد اشتغال، حال آنکه در عمل با حذف خرده‌فروشان محلی، کسب‌وکارهای کوچک را نابود می‌کنند. برای نمونه، تعطیلی هر سوپرمارکت محلی منجر به بی‌کاری سه نفر می‌شود.

۴. تورم ساختاری به نحوی که بخش زیادی از این کسب‌وکارهای فراگیر با وجود ادعای کاهش قیمت‌ها، به دلیل نظام توزیع ناکارآمد، غالباً به افزایش قیمت کالا‌های اساسی دامن می‌زنند.

۵. نابودی تنوع اقتصادی که از طریق رشد پلتفرم‌ها، کسب‌وکارهای سنتی مانند آژانس‌ها، تاکسی‌های تلفنی، خرده‌فروشی‌ها و سوپرمارکت‌ها را حذف کرده است، اشاره کرد. این روند اقتصاد را به سمت تک‌قطبی‌شدن سوق داده و انعطاف‌پذیری آن را کاهش می‌دهد. در حقیقت و براساس استدلال فوق وجود کسب‌وکارهای فراگیر باعث آسیب جدی به اقتصاد کشور است و این نوع از کسب‌وکارها عملاً جامعه را از یک جامعه مولد به جامعه‌ای غیرمولد و منفعل بدل ساخته است. مضاف بر اینکه مبنای توسعه این نوع از کسب‌وکارها شامل لابی‌گری و روابط عمومی برای نفوذ در دولت‌ها و گروه‌های ذی‌نفع است که می‌تواند نگرانی‌ها درباره تمرکز قدرت در دست شرکت‌های بزرگ را تقویت کند و احتمال وقوع فساد در سطح سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری را افزایش دهد.

البته نباید غافل شد که فقدان زیرساخت تولیدی، نبود سرمایه‌گذاری در صنعت و ناکارآمدی مدیریتی، نیروی کار را را به سمت مشاغل پلتفرمی سوق داده است و باعث شده این مشاغل نه به‌عنوان مکمل بلکه به عنوان جانشین بخش مولد عمل کنند. از سوی دیگر نیز سیاست‌گذاری معیوب و عدم تنظیم‌گری مناسب برای پلتفرم‌ها باعث شده تا بخش زیادی از اتحاد جامعه به سمت این پلتفرم‌ها هدایت شوند.

البته تناقض موجود حول این محور است که از یک طرف رشد پلتفرم‌ها به عنوان نشانه مدرنیتبه تبلیغ می‌شود، ولی در واقعیت محصول مرگ سایر بخش‌های اقتصادی و در باطن محصول فروپاشی نظام اشتغال مولد و سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد است. این دقیقاً همان نکته‌ای است که قصد داریم در این نوشتار به آن بپردازیم چراکه معتقدیم این نوع از کسب‌وکارها نه‌تنها جامعه را به سمت انفعال می‌برند، بلکه با متمرکز کردن ثروت و تحمیل هزینه‌های اجتماعی، آینده اقتصاد ایران را تهدید می‌کنند. تغییر این روند اما مستلزم تحول در راهبردهای کلان اقتصادی و بازگشت به تولیدمحوری است. این دیدگاه که وجود کسب‌وکارهای بزرگ و پلتفرم‌های فراگیر مانع تحقق اقتصاد پایدار در کشور و عاملی مهم در فروپاشی اقتصاد مولد است، تنها مدنظر این نویسنده نیست و صاحب‌نظران برجسته و دیدگاه‌های غامض در سطح بین‌الملل نیز بدان پرداخته‌اند. برای نمونه برندگان نوبل اقتصاد ۲۰۲۴ دارون عجم‌وآغلو، جیمز رابینسون و سایمون جانسون با پژوهش‌های خود نشان داده‌اند که نهادهای اقتصادی به دو دسته تقسیم می‌شوند. نهادهای فراگیر که فرصت‌های اقتصادی را برای عموم فراهم می‌کنند و به رشد بلندمدت منجر می‌شوند و نهادهای بهره‌کش که منابع را به نفع گروه‌های

کسب‌وکارهای فراگیر و فروپاشی اقتصاد مولد در ایران

خاص (نخبگان سیاسی یا اقتصادی) هدایت می‌کنند و باعث رکود و نابرابری شدید می‌شوند. بر اساس این دیدگاه کسب‌وکارها و پلتفرم‌های انحصاری در کشورهایی با نهادهای بهره‌کش، با تمرکز منابع در دست اقلیتی کوچک، اقتصاد را غیرمولد و نابرابر می‌کنند.

همچنین نظریه رشد فراگیر تأکید دارد که رشد اقتصادی باید برای تمام اقشار جامعه فرصت‌آفرینی کند. در حالی که پژوهش‌ها نشان می‌دهد مکامال‌ها و پلتفرم‌های بزرگ رشد فراگیر را تضعیف می‌کنند. از منظر اقتصاد سیاسی انتقادی نیز مکامال‌ها به‌منابه ابزار سرمایه‌داری انحصاری محسوب می‌شوند.

بر همین اساس باید گفت مکامال‌ها و پلتفرم‌های انحصاری، در غیاب نهادهای نظارتی قوی، به ابزارهای بهره‌کشی اقتصادی تبدیل می‌شوند و این مدل از کسب‌وکارها در ایران نیز با تخریب خرده‌فروشی‌های محلی و ایجاد انحصار، مصداق نهاد بهره‌کش هستند و در نهایت موجب فروپاشی اقتصاد مولد را فراهم می‌کنند.

هرچند مشکلات اقتصادی ایران «فراققتصادی» هستند و نیاز به تغییر پارادایم دارند و اصلاح نظام مالیاتی، احیای بخش خصوصی، بازطراحی نظام آموزشی و پیوند با اقتصاد جهانی ازجمله الزامات بهبود آن است، اما نباید فراموش کرد که گسترش کسب‌وکارهای فراگیر و پلتفرم‌ها اگرچه در ظاهر نشان‌دهنده «مدرنیزاسیون اقتصاد» است، اما در واقع فروپاشی نظام اشتغال مولد است.

نرخ مشارکت اقتصادی به ۴۰٫۱ درصد (پایین‌ترین حد در یک دهه) رسیده که حاکی از ناهمبیدی از بافتن شغل پایدار است؛ تمرکز ثروت در دست نهادهای انحصاری که ۶۰ درصد ثروت ملی را کنترل می‌کنند و بخش خصوصی مولد را در عمل حذف کرده‌اند، باین‌همه رشد پلتفرم‌ها نیز کسب‌وکارهای سنتی را نابود کرده و اقتصاد را به سمت تک‌قطبی‌شدن سوق داده است.

آنچه در عمل باعث رشد قارچ‌گونه کسب‌وکارهای فراگیر در ایران است، نه رویکردهای متحولانه یا راهکارهای کارآفرینانه این نوع از کسب‌وکارهاست بلکه قاچاق، ناترازی بانک‌ها و خروج سرمایه از بخش‌های مولد، فقدان پیوند مؤثر با اقتصاد جهانی و سیاست‌های نادرست و ضعف مدیریت در سایر ارکان مؤثر اقتصادی است که باعث تاخ‌وت‌وتار ویران‌کننده این کسب‌وکارها شده است.

در شرایط کنونی به نظر می‌رسد در کوتاه‌مدت الزام کسب‌وکارهای فراگیر و صاحبان پلتفرم‌های فراگیر به سرمایه‌گذاری در بخش تولید و اشتغال‌زایی پایدار، حمایت از مشاغل خُرد و ایجاد صندوق‌های ضمانت وام برای خرید خرده‌فروشان و الزام پلتفرم‌ها به پرداخت حداقل دستمزد و بیمه الزامی است.

در بلندمدت هم حمایت از مشاغل دانش‌بنیان به جای تمرکز بر مشاغل کاذب خدماتی، بازگشت به تولیدمحوری از طریق روش‌هایی مانند الگوی «تقسیم کار ملی» اسمیت با تمرکز بر زنجیره‌های ارزش صنعتی مثل پتروشیمی و خودرو و پیوند آنها با بازارهای جهانی، حمایت از تعاونی‌های محلی مانند مدل «اقتصاد اجتماعی» در اروپا که سود را بین اعضا توزیع می‌کند، مالیات‌ستانی تصاعدی از پلتفرم‌ها و کسب‌وکارهای فراگیر و تقویت فراگیری مالی و دسترسی عادلانه به اعتبار برای کسب‌وکارهای خرد را درگشاست. البته این‌همه در کنار عزم سازمان‌های دولتی و نهادهای قانون‌گذار میسور خواهد شد چراکه فروپاشی اشتغال مولد در ایران، محصول سیاست‌گذاری‌های ناکارآمد، فساد و غفلت از نظریه‌های توسعه است. از این کذر، نجات اقتصاد ایران نیز مستلزم خروج از اقتصاد رانتی و انحصاری، بازتعریف «کار مولد» در عصر دیجیتال و پیوند با اقتصاد جهانی است.

محتوای دیجیتال بومی و آموزش معلمان، فضای یادگیری جدیدی خلق شود. در غیر این صورت، فاصله میان نسل‌ها عمیق‌تر شده و جوانان نسبت به نظام آموزشی بی‌اعتماد خواهند شد.

موبایل امروز بخشی جدانشدنی از زندگی دانش‌آموزان است. نگاه تهدیدمحور به آن نه‌تنها مشکل را حل نمی‌کند، بلکه شکاف میان نسل‌ها را بیشتر می‌کند. آینده آموزش متعلق به کسانی است که فناوری را به خدمت بگیرند، نه کسانی که در برابر آن مقاومت می‌کنند.

شاید زمان آن رسیده است که مدارس ایران نیز موبایل را از دشمن بالقوه به همراهی برای آینده آموزش تبدیل کنند.

آموزش معلمان؛ کلید کاهش

آسب‌ها

نگرانی از حواس‌پرتی یا سوءاستفاده از موبایل قابل درک

است، اما راه‌حل، ممنوعیت کامل نیست. اگر معلمان و کارکنان مدارس آموزش ببینند که چگونه استفاده هفتمند از موبایل را مدیریت کنند، خطرات به‌شدت کاهش می‌یابد.

دستورالعمل‌های روشن و آموزش سواد رسانه‌ای می‌تواند

تهدید را به فرصت تبدیل کند.

مسئولیت مسئولان آموزش و پرورش

مسئولان آموزش و پرورش باید از موضع نگرانی عبور کنند. به جای ترس از فضای مجازی باید با طراحی پلتفرم‌ها،

سودوکو سخت ۴۱۳۲

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.
۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

سودوکو ساده ۴۱۳۲

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عدد‌های بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

حل سودوکو ۴۱۳۱

۲	۴	۳	۶	۵	۱	۷	۸	۱
۸	۶	۹	۱	۷	۲	۳	۴	۵
۵	۱	۷	۸	۴	۳	۶	۹	۲
۶	۵	۲	۷	۸	۱	۹	۳	۴
۴	۷	۱	۹	۲	۶	۵	۳	۸
۶	۹	۸	۵	۳	۴	۱	۲	۷
۱	۸	۶	۹	۵	۴	۷	۲	۳
۷	۳	۵	۴	۶	۸	۲	۱	۹
۹	۲	۴	۷	۱	۸	۵	۶	۳

۹	۵	۱	۳	۴	۸	۲	۷	۶
۸	۳	۶	۲	۷	۹	۵	۱	۴
۲	۴	۷	۱	۵	۸	۳	۹	۶
۳	۷	۶	۵	۸	۱	۹	۴	۲
۱	۲	۵	۹	۳	۷	۶	۴	۸
۶	۹	۸	۴	۲	۵	۱	۷	۳
۵	۹	۸	۷	۴	۲	۳	۴	۱
۷	۱	۳	۸	۹	۶	۲	۴	۵
۴	۶	۲	۵	۱	۳	۷	۴	۸

حل جدول ۵۱۳۵

۱۵	۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱
۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲
۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳
۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴
۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵
۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶
۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸
۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹
۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱۲	۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱۳	۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲
۱۴	۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳
۱۵	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴